

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هنگامه افشار

۱۶ نومبر ۲۰۱۲

## دروغگویان و تلاش بی‌حاصل

یکی از زیباترین دست آوردهای انسان مدرن، "آزادی بیان" بوده است. آزادی در ابراز عقیده و تفکر و تخیل. آزادی در اعتراض به بی‌عدالتی. آزادی در اشاعه نیکی‌ها و زدودن شرارت‌ها، در نهایت، نایل آمدن به قراردادهای اجتماعی طاهر.

متأسفانه این دست آورد شیرین، برای عده‌ای جهت دروغ پراکنی، فریبکاری و شیخون زدن به اصالت‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، یک دستاویز شده است! مانند غریقی که حین غرق شدن، به هر تخته پاره‌ای متوسل می‌گردد، این افراد نیز در تنگناها جهت‌گزر و گریز و موجه جلوه دادن سیاه کاریهای خود به "آزادی بیان" متشبث می‌شوند!

امروز مؤثرترین سلاح پیشبرد مقاصد دروغ و ریا جعبه جادویی است به نام "تلویزیون" که قادر است انبار را از هر کالای بنجلی، پر و خالی کند! جاذبه این ابزار ارتباط جمعی در حدی است که می‌تواند یک مجرم را معصوم و یک مظلوم را مجرم بنمایاند! می‌تواند شیطان را به فرشته و فرشته را به شیطان، تغیر شکل دهد! قادر است خطای چشم و خطای هواس را موجب گردد. "مانند عملیات شعبده باز" که ما ایرانیان غربت‌نشین نیز از این نعمت بی‌نصیب نمانده‌ایم! به ویژه که مهره‌های بازی، شسته و رفته و ظاهر‌الصلاح می‌نمایند. مردان شیک‌پوش، اتوکرده و واکس‌زده. گاهی هم با ابروهای زیر برداشته و صورت‌های جراحی شده! تا شاید با ظاهر دل‌افروز، مورد پسند میلیون‌ها ایرانی در داخل ایران افتند که هر زمان کانال‌های تلویزیون وطنی را می‌چرخانند، مجریان مرد خود را با سر و صورت و گردن و لب انبوه از پشم می‌بینند که از فرق سر تا نوک پا، چرب و چرک و چروک بر پرده ظاهر می‌شوند. در مقایسه، شاید اینان، مقبول افتند!

در آن سوی این "جعبه جادویی" منزل به منزل، اتاق به اتاق، در هر شهر و کشور جهان، خانواده‌ها، تک نفری و جمعی، مقابل این اختراع اعجاز‌انگیز می‌نشینند و با نوعی تسلیم، ذهنشان را می‌سپارند به سیلاب افکاری که از گلوی گوینده خارج و برزبان‌ش جاری می‌گردد.

یک خوش‌باوری غریزی، بیننده را فرا می‌گیرد. از آن رو که در یک جامعه سانسور شده و سانسور زده خبری به سر می‌برد و به استیصال رسیده، تصور می‌کند فردی که توانسته خود را به پشت این دستگاه جادویی بکشانند، حتماً و قطعاً، در تحلیل مسایل سیاسی و اجتماعی، مقامی است شامخ و نعمتی که در بحبوحه بحران تاریخی سرزمینش،

گرمگشائی می‌کند. ناگفته‌ها را می‌گوید. از آزادی بیان برخوردار است و هیچ گشتاپوی دولتی هم با چماق بالای سرش نایستاده. نجات و آزادی ایران را خواهان است. ”خودش می‌گوید“.

پس او ”ببینده“ آن‌سو نشسته که نمی‌داند و می‌خواهد بداند. بین شک و یقین از درک عاجز و می‌خواهد به ادراک برسد، ذهنش به سهولت به اسارت گرفته می‌شود و می‌توان باورهایش را در هم ریخت!

..... و آن کس که اذهان را به اسارت می‌گیرد، در مقام تحلیل‌گر، مفسر خبر، تاریخ‌گو و مطلب پرداز، کافی است که هنر آوازه‌گری را بداند و مأموریت کشت دروغ و سالوس را بر عهده گرفته باشد. درست مثل مارگیرهای حرفه‌ای که در محله‌های قدیمی، ریز و درشت را دایره وار ایستاده و هیجان زده ساعت‌ها سرپا نگه می‌داشتند تا ماری را از کیسه و قوطی، بیرون آورند و شعیده بازی کنند، این شخصیت‌ها هم نحوه اجرای برنامه‌های به اصطلاح سیاسی‌شان، شباهت کمی از نمایش‌های آن مارگیرها ندارد! و آنجا که از خود کم می‌آورند، البته تلیفون سیاه میز مقابلشان به کمک می‌آید. از پشت سیم‌ها، چند صدای همیشه آشنا با سخنوری‌های تکراری و کلیشه‌ای، تا انتهای برنامه، برنامه‌گزار محترم را پا منبری می‌کنند و احسنت می‌گویند!

این مجریان ”همه فن حریف“ کارمندان رسمی دولت نیستند چرا که ما ایرانیان غربت‌نشین از خودمان دولتی ندارم. در عوض کارمندان آنهایی هستند که در دولت پیشین ”حکومت شاه“، دست در لفت و لیس اموال و ثروت مردم داشتند. حال از سوراخ‌نشینی به ستوه آمده‌اند و چون جرأت ابراز چهره در ملاء عام را ندارند، با ”پیشکش دالر“ بازی را از پشت صحنه، کنترل می‌کنند. یک بازی خطرناک، دروغین و ویرانگر، بازی با واقعیات تاریخی، بازی با شرافت و هویت! خط زدن اعتبارنامه مردان و زنانی که دلسوزانه در راه استقلال و آزادی توده‌ها، خون دل خوردند اما ایستادند! یا از صحنه حذف شدند یا در انزوا و تبعیدگاه، رخ در نقاب خاک کشیدند!

در این بازی شنیع، ”فرهنگ دروغ“ تا جایی تقویت و تهیج می‌شود که گاه سخن راست، بر گوش‌ها سنگین می‌نشیند! در واقع پروردگان فرهنگ دروغ، دست کمی از پروردگان فرهنگ ”امام‌زاده‌گرایی“ ندارند که آخوندها در ایران با بیش از ۳۳ هزار امام‌زاده، عوام را مغزشوئی کرده‌اند!!

”فرهنگ دروغ‌پروران“ جنایات را به دو طبقه تقسیم کرده‌اند: جنایات کوچک ”مربوط به دوران طلایی خودشان“ و جنایات بزرگ ”مربوط به حکومت آخوندی“.

سرقته را هم به دو طبقه تقسیم کرده‌اند: سرقته کوچک ”مربوط به دوران طلایی خودشان“ و سرقته بزرگ ”مربوط به حکومت آخوندی“.

شکنجه هم به زعم آقایان بر دو گونه است: یکی شکنجه واجب و مقبول، دیگری شکنجه ظالمانه و مطرود، که البته نوع نخست، مربوط به اربابان سابق است! بدون طلیعه آزادی بیان، حضرات هرگز جرأت اینهمه زده‌گویی را نداشتند“.

بسیاری هنوز نمی‌دانند و باور ندارند که یکی از زهرآگین‌ترین مراکز اطلاعات، از طریق همین تلویزیون‌های رنگین و جذاب خارج از کشور است!

شاید هنوز بر بسیاری پوشیده است که یک جریان بدون توقف رسانه‌ای و خبری از خارج جهت ایجاد توهم در ذهن و روح میلیون‌ها ایرانی در داخل کشور، به سرعت نور در حرکت است. ایجاد توهم در اصل رویداد انقلاب ۵۷. ایجاد توهم در باور مردمان که هنوز بر خرابه‌های آرمان‌های بر باد رفته مشروطه نشسته‌اند و اشک می‌ریزند. ایجاد توهم در یک خودباوری ملی. در این که بیش از صد سال است سرشان کلاه رفته و بر روحیات و معنویاتشان ”پس از بیداری ملی“ شبیخون زده شده است....

مجموعه این جریان دروغ، اعم از پشت صحنه‌ها و روی پرده‌ها، اساساً به حقوق و هوش مردم ایمان ندارند و به جای راستگویی و استغفار از مردم، همان سیستم فکری نظام برافتاده را دنبال می‌کنند با این تصور خام که شاید بشود با گزارشات خلاف و بدون مرجع و مأخذ، تاریخ را برگرداند و بردش چسباند به همان سیستمی که "دروغ دولتی" یکی از ارکان اصلی‌اش بود. غافل از این که اگر آخوندها با دروغ ماندند، اینها با دروغ ساقط شدند!

اینهمه مغزشوئی و به گنجی سوق دادن مردم در بند، توسط چه افرادی و چگونه هدایت و تنظیم می‌شود؟ آیا انسانی صاحب عقل سلیم، صادق و شرافتمند، زیر بار اجرای چنین طرح‌های ننگین و ویرانگر در جهت آشفتگی و در هم کوبیدن روحیه و فکر مردمانش می‌رود!؟

زشت‌ترین طریق تحریف شخصیت انسانهای یک ملت، تحریف تاریخ آن ملت است. شک و شکاف انداختن در دانسته‌های صحیح و واقعی‌شان، پرتاب سنگ بر قهرمانان ملی که ضامن هویت ملی بوده‌اند، وارونه جلوه دادن جریاناتی که اسنادش از دهها نهانخانه تشکیلات جاسوسی جهانی سردر آورده است. تصحیف حقایق از طریق لفاظی و حرافی و روکردن اسناد واهی و پوچ و جعلی.... که همه اینها مشخصه‌ها و روش همین هم زبانان عزیز و غریبی است که هر روز و هر ساعت در حریم خصوصی انسان‌ها دیده و شنیده می‌شوند. با الحان مختلف، گاه با نزاکت، گاه با پرخاش و گاه با سخیف‌گویی، به گمراهی افکار عمومی کمر همت بسته‌اند.

آویزان بر شعار آزادی بیان، جرم می‌تراشند، محاکمه و محکوم می‌کنند و در دایره قدرت و وسع شان، عملاً سانسور عقیده را اعمال می‌کنند.

در مسیر یک چنین شیوه انهدام فرهنگی، می‌شود همه را متهم کرد جز متهم اصلی را! مجرمان را آزاد و مدعیان را به بند کشید. اینگونه، روشنفکر گیر می‌افتد. معلم و شاگرد گیر می‌افتند. قاضی و و قضاوت هم، نانوا و رفتگر هم..... در حوزه تفکر این قشر، ملت از ریز و درشت "کافر نعمت" خوانده و قلمداد می‌شود.

نکته و نقطه اغوا در اینجا است که این مجموعه اعم از پول‌ریزها و پول بردارها، که با پرده‌زی تاریخ را خالکوبی می‌کنند، خودشان در مظان اتهام‌اند و می‌باید روزی در یک دادگاه عادل مردمی، محاکمه شوند نه این که با تردستی و غوغاگری جهت ایز گم کردن، سر خود، تاریخ‌نویسی کنند، قهرمان‌سازی و قهرمان‌شکنی کنند، گذشته را با میل و طبع و نیت خود، تعریف و تحریف کنند.

و جای صد تأسف که در این سیاه مستی‌ها، سکوت فرهیختگان و فرزندگان، بلندتر از هر صدائی به گوش می‌رسد که شاید از ترس آبرو و یا ملاحظات دیگر، لب از اعتراض فروبسته‌اند و به پناهگاههای چند نفره، پناهنده شده‌اند و از ورود به گرداب چنین جوی، وحشت زده‌اند که مبادا با برداشتن چند گام به جلو، سابون بد دهنی، بر تن آنها نیز مالیده بشود که سر بلند کردن نزد سر و همسر و همسایه، برایشان اسف انگیز شود!

شاید هم فقدان دسترسی به همین بلندگوها است که در کمال حیرت، تحت اختیار و اقتدار همین دروغ‌پردازان است. اگر واقعیات تاریخی از قلم صالح قلمان و از زبان صالح زبانان، تکرار و گفته نشود، "دروغ جا می‌افتد" و ذهنیت شومی به نسل‌های آینده انتقال خواهد یافت.

دروغ‌گویان سعی در شست و شوی مغز عوام دارند اما ناخودآگاه و رفته رفته، خودشان شست و شوی مغزی می‌شوند و در منجلاب ریا، به خودباوری می‌رسند!! طوری که "صادقانه" و "خالصانه" دروغ می‌گویند. اگر در شروع حقایق تاریخ را با شک و شبهه شخم می‌زدند، بعد از مدتی، شبهه و شک از ذهنشان رخت برمی‌بندد و این "باور" در نگاه و صدایشان تزییق و فهمیده می‌شود. همین خود باوری جعلی است که امید دارند دیگران را نیز بدان دستخوش کنند!!

آزادی بیان، برای ابراز بیان آزاد است. بیان و قلمی که خرید و فروش می‌شود، دیگر آزاد و رها نیست! هر چند که انتقال دهنده پیام، با بی‌پروائی و بی‌باکی سخن بگوید. بیان و بیان‌کننده‌ای که در بازار سهام و بورس، قیمتش بالا و پائین می‌رود، هر فرهنگی را رواج دهد، در محدوده فرهنگ ریا و فریبکاری است و بس. .... بی‌رو دریاپستی، نگاهی به دور و بر خود بیندازیم. زیگزاگ زدن‌های هر روزه این حضرات را زیر ذره بین بگذاریم. با اندکی آگاهی تاریخی از "حوادث صد سال اخیر ایران" توجه کنیم ما را با تحریف‌ها و جعلیات، به چه روزگار سیاهی نشانده‌اند!!

#### **یادداشت:**

تمام درد و الم همین نست که چنین رذالتی چرا در ایران اتفاق می‌افتد، بلکه بدبختی در گستردگی این روش ضد انسانی و ضد وجدان جامعه بشری است که تقریباً در سراسر جهان به میلیون‌ها "گوبلز" از آمیزش امپریالیسم و ارتجاع به دنیا آمده و از پستان انجونیسم شیر نوشیده‌اند، تا "صادقانه" دروغ بگویند، جعلکاری کنند و یا هم خیره سرانه به نشخوار اراجیف دشمنان مردم مشغول باشند.

اداره پورتال AA-AA